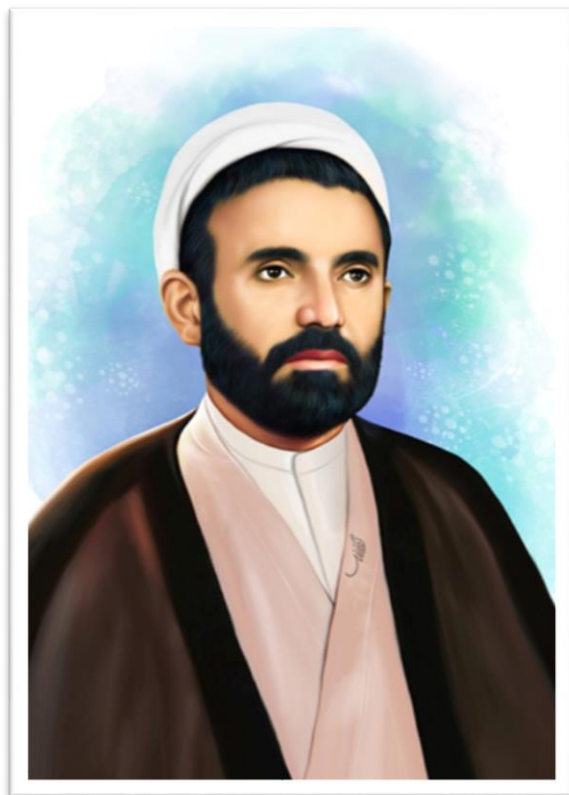


روایتی از زندگی شهید "قاسم صادقی"، یار خراسانی رهبر انقلاب



زندگی نامه شهید حجت الاسلام دکتر قاسم صادقی

تولد: گرمه بجنورد

سن در هنگام شهادت: ۴۵ سال

تحصیلات: علوم حوزوی، دکتری

تخصص: خارج فقه و اصول، الهیات و معارف اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

سوابق مبارزاتی: آغاز مبارزه تحت تأثیر نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲، زندگی مخفیانه، برگزاری فعالیت

های تبلیغی و ارشادی، شرکت در تظاهرات گسترده مردم مشهد

کارهای تشکیلاتی: برپایی جلسات مناظره و پاسخ گویی به شبهات دینی ایجاد شده از سوی مسیحیت و مادیون

و ملحدان

مسئولیت ها: دبیر دبیرستان ها و استادیار داشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، نماینده مردم مشهد در

مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون آموزش و پرورش فرهنگ و تحقیقات عالیہ خانہ ملت
آثار علمی: تألیف کتب مسلمان و مادی (در رابطہ با مبدا) سفر سیر تکاملی (در رابطہ با معاد) و دهہا مقالہ
معتبر ...

تولد تا جوانی

شہید حجت الاسلام و المسلمین دکتر قاسم صادقی، دوم مهر سال ۱۳۱۵ در روستای گرمہ از توابع جاجرم
بجنورد و در خانوادہ ای سادہ و کشاورز کہ بر اساس فطرت اسلامی زندگی می کردند، پا بہ عرصہ حیات
گذاشت. در سن ہفت سالگی از داشتن آغوش پر مهر مادر محروم شد. وی در ۱۵ سالگی تحصیل علم را آغاز و
بہ سرعت در این راہ پیشرفت کرد و موفق شد. در کلاس از نظر اخلاق و فراگیری علوم، سرآمد دیگران بود. در
میان مردم روستا بہ خوش نامی و محبوبیت آوازہ داشت و در نوجوانی مؤذن روستا شد.

در ماہ مبارک رمضان مردم اہالی روستای گرمہ با اذان او روزہ را آغاز می کردند و با صوت دلنشین او بر پای
سفرہ ضیافت الہی می نشستند. شب ہا بہ عبادت و راز و نیاز بہ درگاہ معبود مشغول بود و روزہا در کنار
تحصیل علم، دوستان را بہ عبودیت خداوند و اخلاق نیکو سفارش می کرد. مردم روستا کہ نبوغ ذاتی و استعداد
سرشار او را می دیدند، مصرانہ از پدرش مرحوم اسفندیار در خواست کردند تا او را برای کسب علم و دین بہ
حوزہ علمیہ روانہ کند .

قاسم صادقی در همان روستا و محل زادگاہش مدتی نزد شیخ حسینعلی معزی تحصیل مقدمات نمود و بعد از
دو سال برای ادامہ تحصیل رہسپار حوزہ علمیہ مشہد مقدس شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسہ
نواب، دورہ جامع المقدمات و ادبیات را نزد مرحوم استاد ادیب نیشابوری، شرح قوانین را در محضر حاج سید
احمد مدرس یزدی، سطوح عالیہ را نزد علامہ شیخ ہاشم قزوینی و معارف اسلامی را در کلاس درس آیت اللہ
شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. او بیش از ۲۰ سال نداشت کہ بہ حلقہ شاگردان درس فقہ و اصول مرحوم
حضرت آیت اللہ العظمی میلانی (رہ) راہ یافت و مدت ۱۰ سال از آن محضر پر بار کسب فیض کرد.

او کہ از وجود تبلیغات زہراگین مادیون و ملحدان در مراکز فرهنگی کشور بسیار ناراحت بود و می دید کہ
چگونہ پیروان دیگر مذاہب از تشکیلات گسترده ای برخوردارند اما حوزہ ہای علمیہ بہ سبب محدودیت ہایی
کہ رژیم پهلوی ایجاد می کرد فاقد آن هستند، عذاب می کشید. بہ همین دلیل در پی آن بود تا از راہ ہای
مختلف وارد مجامع اسلامی مرتبط با نسل جوان شود و با افکار و مشکلات جوانان بیشتر آشنا گردد. با ہمین
انگیزہ وارد دانشکدہ الہیات شد و دورہ سہ سالہ وعظ و تبلیغ و لیسانس منقول را با موفقیت گذراند. او پس از
گرفتن دانشنامہ کارشناسی بہ خدمت آموزش و پرورش در آمد و بہ مدت دو سال در دبیرستان ہای نطنز،
ورامین و تہران بہ تدریس فلسفہ و علوم دینی پرداخت. همزمان در دورہ کارشناسی ارشد و پس از آن دکترای

الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی) در دانشکده الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از پایان تحصیل به دانشکده الهیات دانشگاه مشهد وارد و به عنوان استادیار به نشر معارف اسلامی مشغول شد .

یکی از دوستان شهید درباره شخصیت دکتر صادقی چنین اظهار نظر می کند: او مصداق عینی «من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه...» بود. حدود ۱۰ سال قبل از شهادتش در فاجعه انفجار حزب جمهوری اسلامی برای نخستین بار او را ملاقات کردم، با چهره ای مصمم، متبسم و ملکوتی، گویی قرن ها او را میشناختم.

شهید صادقی در طهارت نفس و سلامت عقیده و غیرت مذهبی کم نظیر بود. وی از مصادیق آشکار «شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا» به شمار می رفت. محبت اهل بیت عصمت و طهارت بویژه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) در وجودش عجین شده بود. او از متمسکین واقعی به دو ثقل پیامبر اکرم (ص) یعنی قرآن و عترت بود. او از مظاهر بارز اشداء علی الکفار رحماء بینهم، به شمار می رفت و بعنوان مصداق واقعی «بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا...» از چشمه زلال تشیع نوشید و سیراب شد. او در مسایل اجتماعی و سیاسی نیز دارای ریشه های عمیق فکری بود و به تحلیل اخبار و رویدادها می پرداخت هیچگاه در مقابل اهانت و گرفتاری، خود را نمی باخت و در هنگام بحث و مناظره همیشه آرام، متین، مستدل و گشاده رو بود .

ورود به عرصه نهضت انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۴۲ (ه. ش) بواسطه آشنایی با نهضت حضرت امام خمینی (ره) به علت فعالیت چشمگیر علیه رژیم شاه مدتی زندگی مخفیانه را پیش گرفت و حتی روزها در کوه ها به سر می برد تا سرانجام با مشورت عده ای از دوستان توانست با تاکتیک های خاصی، خود را از غائله نجات دهد و بتواند در قالب اجتماع به فعالیت های تبلیغی و ارشادی خود ادامه دهد. وی در همایشی که برای معلمین علوم دینی مشهد در سال ۱۳۵۴ برگزار شده بود همراه شهیدان دکتر بهشتی و دکتر باهنر و محسن قرائتی و ... در آن شرکت کرد که رژیم روز چهارم با ادامه برگزاری آن مخالفت نمود و آن را به تعطیلی کشاند. در سال ۱۳۵۷ در اوج تظاهرات مردمی مشهد، هنگامی که ماموران رژیم به سوی مردم تیراندازی می کردند، چند گلوله به عبای ایشان اصابت کرد که به قول خودش "شهادت مجانی" نصیب نگردید.

او در طول نهضت انقلاب اسلامی با سخنرانی علیه رژیم و تنویر افکار عمومی، نهضت امام راحل را به مردم معرفی می کرد و پرده از چهره دیکتاتوری رژیم دست نشانده آمریکا در کشور بر می داشت .

روحانی اندیشمند در سنگر خانه ملت

شهید صادقی همواره پاسدار ارزش های اسلامی و انقلابی بود، پس از پیروزی انقلاب و در آستانه برگزاری اولین دوره مجلس شورای اسلامی با اصرار دوستان و تأکید علماء به عنوان وظیفه شرعی، نامزد حوزه انتخابیه مشهد مقدس شد و به عنوان سومین نماینده مجاوران حرم رضوی با کسب ۵۹/۷ درصد آراء مردم، به مجلس راه یافت

و در کمیسیون آموزش و پرورش، فرهنگ و تحقیقات عالیہ مجلس به خدمت به فرهنگ و کشور پرداخت. او در سنگر مجلس مسئولان را به اتحاد ملی فرا می خواند و پیوسته با گوشزد کردن خطر دشمنان از آنان می خواست هوشیاری خود را حفظ کنند.

او سرانجام با خون خود، خط وحدت مردم و مسئولین را در هفتم تیر سال ۱۳۶۰ (هـ.ش) امضاء کرد. همسر شهید در خاطره ای، انتشار خبر انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی به دست منافقین کوردل را چنین نقل می کند: «... ساعت ۲۱/۴۵ دقیقه شامگاه هفتم تیر ماه، از طبقه سوم آپارتمانی که ۲۴ نماینده مجلس شورای اسلامی در آن سکونت داشتند، صدای ضجه و شیون همه فضا را فرا گرفت. عده ای از پاسداران به سرعت آنجا را ترک کردند و به سوی حزب جمهوری اسلامی شتافتند و نگران بودیم تا اخبار صحیح برسد. اضطرابی همراه با توکل و رضا و تسلیم به درگاه خداوند کریم شبی به درازی یک عمر، شبی پر از دلهره و تشویش، تا این که سپیده دم طالع گردید و بعد از اذان صبح و اقامه نماز، به سرعت به طرف بیمارستان رفتیم، در آنجا ناگهان پاسداری به ما تبریک و تسلیت گفت، گویی صبر و استقامت جای همه چیز را فرا گرفت آیا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوه ان الله مع الصابرين، بلادرنگ گفتم: شهادت آرزوی همیشگی همسرم بود، گوارایش باد و این بزرگترین افتخار در زندگی من است.»

پیکر مطهر شهید با درخواست عده ای از بزرگان به خصوص نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی و برخی دیگر از یارانش به مشهد منتقل و در صحن آزادی با استقبال و تشییع کم سابقه مردم حق شناس مجاوران حریم رضوی به خاک سپرده شد.

بعد از دفن پیکر گلگون کفن شهید، از وصیت نامه شهید صادقی هم مشخص شد که سفارش ایشان همین بوده که در کنار تربت پاک و ملکوتی هشتمین ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت (ع) به خاک سپرده شود. و چه نیکو انتخاب مکان در زمان حیات و ممات. از شهید حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادقی دو پسر و یک دختر به نام های محمد (۱۳۴۶)، علی (۱۳۵۰) و فاطمه (۱۳۵۹) به یادگار مانده است.

ویژگی های اخلاقی و شخصیتی شهید

- اخلاق نیکو

- قاطع در امور دینی

- نجابت خانوادگی

از ویژگی های اخلاقی شهید دکتر قاسم صادقی است. در این قسمت برای اطلاع بیشتر خوانندگان برخی از خصوصیات اخلاقی شهید را به نقل از خانم ربابه فتورچیان همسر فاضله ایشان عیناً نقل می کنیم:

در سال ۱۳۴۵ با ایشان ازدواج کردم. در طول زندگی جز صفا و صمیمیت و طهارت نفس و بزرگواری از او ندیدم. او که خودش یتیم به جا گذاشت، سخت نسبت به ایتم رثوف و مهربان بود، هفت یتیم را همیشه با دقت

مراقبت سرپرستی می نمود. در حد توان به مخارج درمان بیماران چه فامیل و چه دیگران کمک می کرد. هر جا فقیر و دردمند و نیازمندی می شناخت، بی درنگ خود را یار و مددکار او می دانست و بی تفاوتی در این رهگذر گناهی بزرگ می شمرد. ماهیانه مقداری از حقوق خود را در این راه به طور مستمر در اختیار موسسات خیریه می گذاشت تا به نیازمندان برسانند که این جریان را، حتی بعد از شهادت با وصیت خود استمرار بخشید. او سخت علاقه مند بود که فرزندان او در علوم اسلامی و معارف به حق جعفری تلاش و جدیت نمایند.

مدیریت فرهنگی و فعالیت های داوطلبانه
دانشگاه فردوسی مشهد